قال الله تبارک و تعالی:«یا ایُّها الَّذینَ آمَنوا کُتِبَ عَلَیکُم الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذینَ مِن قَبلِکُم لَعلَّکُم تَتَّقُونَ». (بقره:183)

**ایجاد انگیزه**

خدا را شاکریم که به ما سلامت، امنیت، عمر و فرصت داد که آغاز یک ماه رمضان دیگر را زنده باشیم و پای مجالس معارف و احکام و مسائل دینی بنشینیم.

شناخت و فضیلت ماه رمضان مهم­تر از شناخت زمان و مسائل جنبی و در واقع صوری آن است. همانگونه که در یکی از دعاهای امام سجاد علیه السلام این است :«ألهِمنَا مَعرِفَةَ فَضلِهِ وَ اِجلَالَ حُرمَتِه» (دعای 44 صحیفه سجادیه، صفحه 186؛ مصباح کفهمی، ص 610.) ؛ خدایا اول به ما توفیق معرفت نسبت به فضیلت و حرمت ماه رمضان و سپس تکریم و تجلیل از این ماه الهی را عنایت فرما. شناخت آغاز و پایان و احکام ماه رمضان مهم است؛ چرا که رمضان بر این احکام استوار است. اما شناخت فضیلت و حرمت این ماه شاید کمتر از شناخت اصل آداب و احکام این ماه نباشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:«هُوَ شَهرٌ أوَلُهُ رَحمَةٌ وَ أوسَطُهُ مَغفِرَةٌ وَ آخِرُهُ عِتقٌ مِنَ النَّارِ»؛ ماه رمضان ماهی است که آغازش رحمت، وسطش مغفرت . پایانش آزادی و برائت از آتش است.

ماهی که بیش از 50 نام دارد! ماه عتق، ماه معرفت، ماه فوز، ماه فضیلت، ماه مبارک، ماه مواسات، ماه آزادی، ماه برکت، ماه صبر؛ «شَهرٌ مُبارَکٌ، شَهرُ الصَّبرِ، شَهرُ الصِّیامِ، شَهرُ المَغفِرَةِ، شَهرُ البَرَکَة، شَهرُ المُواساةِ، شَهرُ العِتقِ». این عظمتی است که خداوند آن را در مقابل ما قرار می­دهد، «هُوَ شَهرٌ دُعیتُم فِیهِ اِلَی ضِیافَةِ الله». ( بحار النوار، ج 93، ص 342، ج 7، ص 473، دعائم الاسلام، ج 1، ص 268.)

سفره الهی گسترده است، سفره ­های­ما وقتی غذایش خورده می­شود تمام می­شود، وقتی انسان سیر می­شود، تازه آغاز رحمت است. «ما عِندَکُم یَنفَدُ»سفره­های ما فناپذیر است، غذا که خورده می­شود تازه مکافات جمع کردن آشغالهایش شروع می­شود، اما سفره های الهی «وَ ما عِندَاللهِ باقٍ» (وسائل الشیعه، جلد 10، ص 313؛ بحار النوار، ج 93،ص 356؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، صفحه 295.) ؛ هیچ وقت فنا پذیر نیست. سفره ی الهی سفره ی کرامت، مهربانی و عزت است. صاحب خانه نگفته که چه کسی بر سر این سفره بنشیند، همه دعوتند؛ «دُعیتُم فِیهِ اِلی ضِیافَةِ الله».

خیلی ضعف است که سفره­ای به این بزرگی باشد اما جایی برای ما نباشد. سفره­ای با این عظمت ولی انسان نتواند چیزی از آن بردارد! گاهی یک سفره مال افراد خاصی است؛ می­گویند رؤسا دعوت دارند، یا مسئولین دعوت دارند، و یا مثلاً اینجا فامیل هایشان را دعوت کرده اند، غذا به اندازه همه نیست. اما یک سفره­ای که همه حق دارند بر سر آن بنشینند و همه چیز هم در آن هست و ماندگار هم است، اگر کسی نتواند از مائده­ها و غذاهای این سفره استفاده کند، خسارت دیده و ضرر کرده است. رمضان ماه نشستن سر سفره الهی است، ماه نشستن سر سفره عزّت و کرامت و مهربانی است. اگر می­خواهی ببینی در این سفره چیست به دعای جوشن نگاه کن؛ سفره­ی رحمت و سفره کرامت.اما هر کس نتواند سر این سفره بنشیند «فَاخلَعَ نَعلَیکَ إنَّکَ بِالوادِ المُقَدَّسِ طُویً» (طه:12.) باید پاکیزه و با ادب نشست. باید اجازه ورود به این سفره را گرفت و نشست. ماه رمضان ماه چنین عظمت و ضیافتی است.

متن و محتوا

**رمضان و فرصت­های طلایی**

ماه رمضان آغاز سال (بحار الانوار، ج95، ص 334.)عبادی است. سید بن طاووس رحمة الله در این باره می­نویسد: محرم آغاز سال تاریخی و قمری است- نزد ما فروردین سال شمسی است در بعضی جاها میلاد حضرت مسیح آغاز سال میلادی است- ایشان می فرماید این­ها برای سال­های تاریخی بشر است، اما سال عبادی اول رمضان است. لذا مرحوم میرزا جواد آقای ملکی رحمة الله وقتی ماه رمضان شروع می­شد توصیه می کردند نماز شکر بخوانید. در توصیه­های کتاب «المراقبات» دارند که شب اول ماه رمضان سوره فتح را بخوانید. در مفاتیح و جاهای دیگر آمده است که شب اول ماه رمضان غسل کنید و دعای مخصوصی را که پیامبر می­خواند، بخوانید. لذا خوب است که انسان برنامه­های عبادیش را با این سال تعیین کند؛ مثل خمس، زکات و برنامه­ریزی هایی که برای زندگیش دارد. مثلاً اگر تنظیمی در کارهای عبادیش دارد از رمضان شروع کند. چون ماه رمضان سال عبادی بشر است این مطالبی را که عرض می­کنم نه روایت است و نه حدیث؛ این­ها را خودم این­گونه دسته­بندی کرده­ام؛ در ماه رمضان ما هفت فرصت استثنایی داریم البته نه این که در دیگر ماه­های سال این فرصت­ها را نداریم اما در ماه رمضان بیشتر است.

1. **فرصت تقویت اراده و تصمیم­گیری**

یکی از مشکلاتی که الان ما در جامعه داریم ضعف اراده است. خیلی­ها می­گویند: من می­دانم بد اخلاق هستم اما نمی­توانم بر بداخلاقی­ام غلبه کنم، و یا مثلاً نباید اعتیاد داشته باشم، و یا ناسزا بگویم، و یا در نماز کاهلی کنم، اما نمی­توانم. امروزه افراد مبتلا به گرفتاری­­های مختلف، اظهار ضعف اراده می­کنند.

ماه رمضان ماه تقویت اراده­هاست. چگونه شما تا وقتی اعلام نشده که ماه رمضان است نیت روزه ماه رمضان نمی­کنید، همچنین تا اعلام عیدفطر نشده از روزه بیرون نمی­آیید چگونه الآن که شما روزه­اید هر چند به سیگار معتاد باشید، سیگار نمی­کشید. اگر چه خیلی به غذا علاقه­مند هستید اما غذا نمی­خورید؛ لذا کسی که در روز ماه رمضان با اراده خودش غذا نمی­خورد و یا با حلالش رابطه برقرار نمی­کند، در غیر ماه رمضان هم می­تواند از حرام اجتناب کند. نگویید نمی­شود اگر نمی­شود پس چرا چهارده، پانزده ساعت غذا نمی­خورید؟! چرا آب نمی­آشامید؟ چرا یک ماه ورود و خروجت منظم است؟ این ماه، ماه تقویت اراده است. این اولین فرصت طلایی و زمینه­ای است که در اختیار ماست، به شرط این که آدم خودش را بشناسد. در کتابی به نام «تست خودشناسی» نوشته­ای جالب بود. الان تست­ها و آزمون­های مختلفی برگزار می­شود؛ برای کنکور آزمون می­گیرند، برای مدارس استعدادهای درخشان تست می­گیرند، برای کارمندها تست می­گیرند- ایشان یک تست به نام تست خود شناسی درست کرده­بود و حدو 80-70 سوال جلوی هر فردی گذاشته بود. چه خوب است ما این تست خودشناسی را برداریم و این سوالات جواب دهیم: نقاط ضعفم چیست؟ نقاط مثبتم چیست؟ استعدادم چگونه است؟ اگر امسال آخر عمر من باشد آیا آمرزیده شده­ام؟ اگر این ماه رمضان آخر عمر من باشد، آیا عبادتم درست است؟ آیا مالم پاک شده است؟ آیا اخلاقم خوب است؟ آیا حسادت ندارم؟ چقدر شاعر زیبا سروده است:

قیمت هر کاله می­دانی که چیست قیمت خود را ندانی احمقی است

«کاله» یعنی کالا، الان می­گویند قیمت فلان جنس این­قدر است، قیمت فلان جنس پایین آمده؛ مثلاً الان می­دانی قیمت سیب­زمینی و پیاز چند است، قیمت همه­ی کالاها را می­دانی اما اگر قیمت خود را ندانی این احمقی است. امیرالمؤمنین چقدر زیبا فرموده است:«العَالِمُ مَن عَرَفَ قَدرَهُ» (قال علی علیه السلام: العَالِمُ مَن عَرَفَ قَدرَهُ و کَفَی بِالمَرءِ جَهلاً الا یَعرِفُ قَدرَهُ. (نهج البلاغه، خطبه 103)) : عالم کسی است که قدر و حد خویش را بداند. قدر خودمان را بدانیم خودمان را کوچک و ذلیل نکنیم. حد خودمان را بدانیم. بعضی­ها قدر خودشان را نمی­دانند لذا به میدان نمی­آیند. بعضی­­ها حد خودشان را نمی­دانند، یعنی به میدان می­آیند که کار را خراب می­کنند.

گفته شد هفت فرصت طلایی در ماه رمضان داریم؛ 1

- تقویت اراده، اراده را می­شود تقویت کرد.

**داستان**

**تصمیم سعادت بخش**

نبی اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله با اصحابش از بیابانی عبور می کردند، پیغمبر اکرم به اصحاب خود فرمودند: توقف کنید، الان کسی به ما می­رسد که سه روز است شیطان بر او نفوذ نکرده و بر او مسلط نبوده- خیلی مهم است بعضی­ها یک دقیقه هم از شیطان جدا نیستند- این چه کسی است که پیغمبر می­فرماید سه روز است که شیطان بر او راه نیافته است. همه به بیابان چشم دوخته بودند، دیدند یک عرب لاغر اندام که چشم­هایش به گودی افتاده با شتر نحیفی در حال آمدن است.

 «مَن رَسولُ الله»؛ پیغمبر کیست؟

 گفتند: ایشان.

عرض کرد: یا رسول الله! سه روز است که تصمیم گرفته­ام مسلمان شوم و بت پرستی را کنار بگذارم، اکنون به مدینه آمده­ام و شما را در این بیابان پیدا کرده­ام. بعد از این­که شهادتین را گفت، عرض کرد: حالا باید چه کنم؟ پیامبر فرمود: نماز بخوان، در ماه رمضان روزه بگیر، در عمرت اگر مستطیع شدی حج بیت الله حرام را به جای آور، زکات و خمس مالت را بپرداز- در این روایت تعبیر«زکات» دراد- زکات اموالت را بده، مالت را پاک نگه دار، این­ها اعمال و وظایفی است که بر گردن توست. عرض کرد: یا رسول الله! فقط همین­ها مرا بس است. بعد خداحافظی کرد و رفت. بعد از ساعتی پیغمبر متوقف شد و فرمود برگردید، این شخص از دنیا رفت. عرض کردند: برای چه یا رسول الله! فرمود: شترش به چاله­ای برخورد کرد و از روی شتر سقوط کرد و همان­­جا جان داد. عرض کردند: یا رسول الله! این مرد به هیچ­کدام از این اعمالی که شما فرمودید عمل نکرد؛ نه نماز خواند و نه روزه گرفت و نه حج به جای آورد و نه زکات داد. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله اصحاب را کنار بدن این شخص آوردند، خیمه زدند و فرمودند: کسی وارد نشود. بدن را به خیمه آوردند، غسل دادند و کفن کردند. آن شخص می­گوید: وقتی پیغمبر آمد، دیدیم جبین آن حضرت عرق کرده، پرسیدیم: یا رسول الله! چه شده؟ فرمودند: فرشته­های زیادی به استقبال او آمده بودند، تا به او سلام و درود بگویند، با یک دنیا سلام و تحیت وارد بهشت برزخی شد. این انسان تصمیم گرفت. در ماه رمضان اراده تقویت می­شود.

**امید به وعده­ی خدا**

شخصی به نام احمد بن محمد ابی نصر بزنطی خدمت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: یابن رسول الله! نه سال است که دعایی می­خوانم و دعایم مستجاب نمی­شود، اخیراً ناامید و به خدا بدبین شده­ام. امام علیه السلام فرمود: اگر کسی به این نقطه رسید، سقوط کرده است و بعد بلافاصله فرمود: احمد ابن محمد! شیطان دنبال چنین فرصت­های است تا از اینجا نفوذ کند. جدم امام باقر علیه السلام فرمود: گاهی خدا دعایی را مستجاب می­کند اما سال­ها آن را به تأخیر می­اندازد؛ مثلاً اگر فرزند می­خواهی 10 سال به تأخیر می­اندازد.- برخی از افراد هستند که بعد از بیست و چند سال صاحب فرزند شده­اند یا بعد از گذشت 17 سال از ازدواجشان بچه­دار شده­اند. یا مثلاً حدود 10، 15 سال بچه نداشته­اند، بعد بچه­ای را به فرزندی قبول کرده­اند و آن وقت صاحب فرزند شده­اند- امام رضا علیه السلام فرمود جدم امام باقر علیه السلام فرموده است که گاهی خدا بنده­ای را دوست دارد، دعایش را مستجاب می­کند اما سال­ها به تأخیر می­اندازد تا ارتباط او با خدا قطع نشود؛ وقتی به یاد حاجتش می­افتد گریه می­کند و با خدا حرف می­زند. بعد امام رضا علیه السلام فرمود: اگر من به تو وعده­ای بدهم آیا به من اعتماد می­کنی؟ گفت: بله به شما اعتماد دارم چون شما امام و حجت خدایید. امام علیه السلام فرمود: این بنده­ی خدا! خدای من به تو وعده داده است «ادعُونی أستَجِب لَکُم» (غافر:60.) ، تو چگونه به من اعتماد می­کنی و به خدا اعتماد نمی­کنی؟ به همین دلیل است که می­گویم در ماه رمضان هفت فرصت طلایی داریم.

1. تقویت اراده؛ نگویید نمی­شود، نگویید نمی­توانم.چگوه اراده شما حلال را کنار می­گذارد؟ پس حرام را هم می­تواند کنار بگذارد.
2. فرصت آشتی با خدا

خدا چقدر زمینه و فرصت آشتی با خودش را فراهم کرده است! هر کس که ماشین وجودش کُند شده و هرکس که با خدا قهر بوده است، خدا سراشیبی و زمینه برایش گذاشته است.

**داستان**

**سه نوع عبادت**

عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیه السلام) از جایی عبور می­کرد، در آن­جا به سه گروه برخورد کرد؛ گروه اول را دید که دارند گریه می­کنند و عبادت می­کنند. فرمود: گریه­ی شما از چیست؟ گفتند: «الخوفُ مِنَ النّار»؛ ما از آتش جهنم می ترسیم. فرمود: بدانید کسی که این­گونه از خوف خدا اشک بریزد خدا او را از آتش می­رهاند. امید داشته باشید که آتش جهنم به بدن شما برخورد نمی­کند. گروه دوم را دید که ناله می­کنند. پرسید شما چرا تضرع می­کنید؟ گقتند: «الشوقُ الی الجَنَّةِ»؛ از عشق بهشت، جایی که در آن لغو نیست، گناه نیست، دروغ و کلک و خلاف نیست. جایی که درآن فرشته ها و انبیاء هستند. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: امید داشته باشید که خدا به شما بهشت را می­دهد. به گروه سوم رسید پرسید: شما چرا اشک می­ریزید؟ شما چرا عبادت می­کنید؟ گفتند: «حُبُّ الله»؛ ما خدا را دوست داریم. فرمود: «أنتُمُ المُقَرَّبُون» (شرح نهج البلاغه، ج 10، ص 156؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 224.) شما مقربید؛ آن دو گروه هم خوب بودند ولی، شما بالاترید و این نتیجه دوست داشتن خداست.

امیرالمؤمنین، در این باره فرمود: دوازده نکته در تورات وجود دارد که من آنها را به عربی ترجمه کرده­ام و روزی سه بار به آنها نگاه می­کنم.- این کلام امیرالمؤمنین نشان دهنده اهمیت این دوازده عبارت است- من یک مورد را بیان می­کنم؛ یکی از آنها سفارشات خداست، «یَابنَ آدم اُحِبُّکَ فَانتَ أَحبِبنِی»؛ انسان من تو را دوست دارم چون تو بنده من هستی، پس تو نیز مرا دوست داشته باش. عزیزان، این حداقل کاری است که ما می­توانیم انجام دهیم. ماه رمضان، ماه آشتی و ماه کنار گذاشتن قهر با خداست. ماه رمضان، ماه برقراری رابطه با خداوند است. این هم دومین فرصت در ماه رمضان است؛ فرصت طلایی آشتی با خدا، اشتی با ذات اقدس الهی که این همه در روایات بر آن تأکید شده است.

پیغمبر گرامی اسلام،حضرت محمد صل الله علیه وآله وسلم درمسجد روبه اصحاب کرد و فرمود : کدام نشانه ی مومن مهم تر است ؟- مومن علامتهای زیادی دارد.در سوره ی مومنون حدود هفت،هشت علامت برای مومن ذکر شده است.در روایات و همچنین در کافی شریف ده ها علامت گفته شده است- پیامبر فرمودند کدام نشانه ی مومن از همه بالاتر است؟ یکی گفت : یا رسول الله! نماز. فرمودند:نه.یکی دیگر گفت:روزه.فرمودند:خیر. یکی گفت زکات،دیگری گفت جهاد. پیغمبر مکرم فرمودند: همه ی اینهایی که گفتید فضیلت و ارزش مؤمن است اما بالاترین مستمسک ایمان و عروة الوثقای مومن، حب خداست.

بالاترین نشانه ی مومن این است که هم دوستی هایش وهم بغض هایش برای خدا باشد. (الکافی، ج 2، ص 25.)

**جوان گنه­کار**

داستانی از یکی از اولیاءالهی که در کتاب­های مربوط به حالات اولیاء نوشته شده است. داستان زیبایی است. یکی از اولیاء می­گوید در مصر بودم از جایی عبور می­کردم، دیدم عقربی با سرعت در حال آمدن است. مسیر خشکی را طی کرد و به کنار برکه­ای رسید. لاک­پشتی از آب عبور کرد سوار بر لاک­پشت شد. علاقه­مند شدن ببینم این عقرب چه مأموریتی دارد که این­گونه باسرعت در حال رفتن است. خودم را به آن طرف آب رساندم. دیدم جوانی زیر درختی خوابیده، ماری از بالای درخت آمده تا جوان را نیش بزند. در آستانه­ی نیش زدن مار، عقرب خودش را به جوان رساند و مار را نیش زد و نگذاشت جوان را نیش بزند. وقتی که عقرب رفت و مار هم به زمین افتاد با خودم گفتم این جوان کیست که خدا این قدر دوستش دارد، عقرب را مأمور کرده تا بیاید و مار را نیش بزند تا این جوان زنده بماند؟ بالای سرش رفتم و او را تکان دادم. متوجه شدم دهانش بوی مشروب می­دهد. تعجب کردم که او خلاف فرمان الهی را انجام داده است. بیدارش کردم و قصه را برایش تعریف کردم و پرسیدم: جوان تو چه کرده­ای؟ تو الان معصیت خدا را کرده­ای، قاعدتاً باید از در خانه خدا طرد شده باشی. چه کار مثبتی انجام داده­ای که این­گونه خدا به تو مهر ورزید؟ گفت پول برداشتم که بروم شراب بخرم، به آستانه در که رسیدم مادرم مرا صدا زد و گفت یک ظرف آب برایم بیاور تا وضو بگیرم. یک ظرف آب برایش گذاشتم و از خانه بیرون آمدم. همین­گونه که در مسیر می­­آمدم عالمی می­خواست سوار مرکبش شود مرا صدا زد و گفت: جوان بیا رکاب این مرکب را بگیر تا من سوار شوم. رکاب مرکب را گرفتم تا او سوار شود. آمدم مغازه­ی شراب­فروشی، شراب خریدم. اضافه­ی پولی که در دستم بود، فقیری عبور می­کرد گفت به من کمک کن، به فقیر کمک کردم. هر چه فکر می­کنم میبینم این چند کار را قبل از انجام گناه انجام داده­ام.

خداوندا!«یا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَه» (بحار الانوار، ج91، ص 239.) ، با این که شراب خورده و مغضوب الهی هست، اما چون کار مثبتی انجام داده، اول خداوند چهره مثبتش را به او نشان می­دهد. از این موارد بسیار داریم به همین دلیل گاهی به پدر و مادرها می­گویم همیشه فقط به نقاط ضعف جوانهایتان نگاه نکنید. اگر جوانی نقطه ضعف دارد اما نماز می­خواند، به پدرش احترام می­گذارد، مؤدب است و بالاخره یک ویژگی مثبت دارد، خداوند این ویژگی مثبت را برجسته می­کند. همان­گونه که در دعا داریم:«یَا مَن اَظهَرَ الجَمیلَ وَ سَتَرَ القَبِیحَ». شراب­خوری تو را پوشاند اما خدمت به مادرت را ارج نهاد. «یَا مَن لَم یُواخِذ بِالجَرِیرَة» (مستدرک، ج6، ص 308؛ بحار النوار، ج51، ص 304.) ؛ زود مؤاخذه­ات نمی­کند. در دعای کمیل هم می­گویی: «کَم مِن قَبیحٍ سَتَرتَهُ وَ کَم مِن فادِحٍ مِنَ البَلاءِ اَقَلتَهُ وَ کَم مِن عِثارٍ وَقَیتَهُ»؛ خدایا! چه لغزش­های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، چه زشتی­های بسیاری که از من پوشاندی و چه خوبی­های کمی که خودم آن را چیزی نمیدیدم اما تو آن­ها را بزرگ کردی. اندکی خوبی بود اما تو آن را پخش کردی تا مردم همه آن­ها را ببینند. اگر قرار بود خدا اَظهر القبیح باشد بیچاره بودیم، خدا اَظهر الجمیل است. خدایی که این قدر مهربان است با وجودی که آن جوان خلاف امرش را انجام داده و شراب خورده، اما به خاطر کار مثبت او رحمتش را اظهار می­کند. چرا با این خدا باید قهر کنیم؟ چرا رابطه­ی ما با چنین خدایی کم باشد؟

1. **فرصت برنا­مه­ریزی و نظم**

یکی از مشکلاتی که در زندگی همه ما وجود دارد ضعف برنامه­ریزی و نظم است. ماه رمضان دو ورود و خروج منظم دارد که همه­ی ما آن رارعایت می­کنیم: 1- ورود به ماه و خروج از ماه؛ الان مغازه­های ساندویچی باز هستند، چرا؟ چون هنوز شروع ماه رمضان اعلام نشده است. اما به محض این که شروع ماه اعلام شود، این مغازه­ها بسته می­شوند. 2- ورود و خروج روزانه؛ مثلاً در حال خوردن غذا هستی که با گفتن اذان غذا خوردنت تمام می­شود. و یا از گرسنگی به خودت می­پیچی اما چیزی نمی­خوری، می­گویی باید اذان گفته شود. چرا نظم را به این زیبایی رعایت می­کنی؟ سحر از خوردن دست می­کشی و افطار شروع به خوردن می­کنی. بهتر است بقیه­ی زندگی ما همین­گونه باشد؛ در نماز اول وقتمان هم نظم باشد در برنامه­ریزی خانوادگی­مان هم نظم باشد.

1. **فرصت رفع کدورت**

کدورت­ها را کنار بگذاریم و رفت و آمدها را زیاد کنیم. امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروه هستند که نمازشان یک وجب هم بالا نمی­رود و نمازشان مردود است. این سه گروه چه افرادی هستند؟ حضرت فرمود:«رَجُلٌ أمَّ قُوماً وَ هُم لَهُ کارِهُونَ» اول: کسی که در جایی ریاست بکند که مردم او را نمی­خواهند. بلد نیست و به زور بر مردم ریاست می­کند. «رَجُلٌ أمَّ قُوماً»؛ مثل حجاج­ها، معاویه­ها و متوکل­ها که بر مردم حکومت می­کردند در حالی که مردم آن­ها را نمی­خواستند. گروه دوم چه کسانی هستند؟ فرمود:«امرَأَةٌ بَاتَت»زنی که بخوابد در حالی که همسرش از او ناراضی است. («قَالَ الصادق علیه السلام: ثَلاثَةٌ لَا یَقبَلُ الله لَهُم صَلَاةً عَبدٌ أبِقٌ مِن مَوَالِیهِ حَتَّی یَرجِعَ إِلَیهِم فَیَضَعَ یَدَهُ فِی أَیدِیهِم وَ رَجُلٌ أَمَّ قَوماً وَ هُم لُهُ کَارِهُونَ وَ امرَأَةٌ بَاتَت وَ زَوجُهَا عَلَیهَا سَاخِطٌ» (وسائل الشیعه، ج8، ص 350، امالی شیخ طوسی، ص 193؛ بحار النوار، ج 81، ص 319).) منظور من در اینجا از این دوجمله انسانی است که با هم قهرند و کدورت دارند، نه فقط زن و شوهر. پس یکی از عللی که باعث بالا نرفتن نماز می­شود قهر و کدورت است. پیغمبر خدا فرمود: فرشته­ها(میکائیل­ها، جبرائیل، اسرافیل و...)در اول ماه رمضان هرکدام یک پرچم نصب می­کنند.پرچمی که جبرئیل نصب می­کند روی آن نوشته شده:«لَا إِلَهَ إِلَّا الله مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ طُوبَی لِأُمَّةِ مُحَمَّدٌ عَلَیهِ السلام یُنادُونَ بِالاَسحَاربِالبُکاءِ وَ التَّضَرُّع» («قَالَ رَسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا کَانَ أَوَّلُ لَیلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضَان أَمَرَ الله تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَبعَةً مِن المَلَائِکَةِ جَبرَئیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسرَافیلَ وَ کَو کَبَائیلَ وَ شَمشَمائِیلَ وَ إِسمَاعیلَ وَ دَردَائِیلَ مَعَ کُلِّ مَلَکٍ مِنهُم لِوَاءٌ مِن نُورٍ وَ سَبعُونَ أَلفاً مِنَ المَلَائِکَةِ مَعَ جَبرَئیلَ لِوَاءٌ مِن نُورٍ یَضرِبُ فِی السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَکتُوبٌ عَلَی ذَلِکَ اللُّوَاءِ لَا اِلَهَ اِلَّا الله مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله طُوبَی لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلی الله علیه و آله یُنادُونِ بِالأَسحَارِ بِالبُکَاءِ وَ التَّضَرُّعِ أُولَئِکَ هُمُ الآمِنُونَ یَومَ القِیامَةِ»(مستدرک، ج7، ص420؛ بحار النوار، ج 93، ص343)) ؛ خوشابه حال امتی که ارتباطهایشان با هم صمیمی باشد. چقدر تأکید شده که افطاری بدهید. اگر اندکی سفره­ها کم­خرج­تر و ساده­تر شود، همین سفره افطار زمینه­ی رفع کدورت می­شود. همین رفت . آمدها، شب­ها با هم به مسجد آمدن­ها و کنار هم نشتن­ها فرصتی برای رفع کدورت است.

1. **فرصت صبر**

انسان در ماه رمضان صبور است، تا اذان گفته نشده نمی­خورد و نمی­آشامد و تحمل دارد. این صبر را در سایر ایام هم می­شود تعمیم داد.

1. **فرصت قناعت**

در ماه رمضان انسان با مناعت طبع و قناعت رفتار می­کند.

1. **فرصت پیوند با ولایت**

ماه رمضان شب­های قدر و شب­های احیا دارد. انسان در شب­های احیا اسامی ائمه علیه السلام را بر زبان جاری می­کند. در مجالس روضه می­نشیند، روضه می­شنود و اشک می­ریزد.

پس هفت فرصت طلایی در ماه رمضان در مقابل ماست، فرصت قناعت، فرصت صبر و فرصت پیوند با ولایت و محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام خدا مرحوم شهید مطهری اعلی الله مقامه الشریف را رحمت کند! به او گفته شد چرا شما این قدر به علامه طباطبائی ارادت دارید؟

* بسیاری از بزرگان در آن زمان بودند اما ارادت مرحوم شهید مطهری به علامه طباطبائی ویژه بود- ایشان فرموده بود: در علامه طباطبائی عظمت­هایی دیدم. یکی از آن­ها این بود که علامه هر افطار می­آمد ضریح حضرت معصومه علیه السلام را می­بوسید و بعد افطار می­کرد. در تمام روزهای ماه رمضان دیدم علامه طباطبائی روزه­اش را با بوسیدن ضریح حضرت معصومه علیه السلام باز می­کند. این همان فرصت پیوند با ولایت است.

گریز و روضه

بنابر نقل روايت اول لحظات آخر عمر دختر پيامبر گرامي اسلام بود. «السَّلام عليکِ يا فاطمة الزَّهرا يا بنت رسُول الله يا قرَّة عين النبي المصطفي!» اميرالمؤمنين کنار بستر فاطمه زهرا عليها السلام نشست، به امام حسن و امام حسين، زينب و امّ کلثوم فرمود: از اتاق بيرون برويد. مظلوم و مظلومه کنار هم نشستند، چرا؟ چون زهرا مي خواهد وصيت کند. اميرالمؤمنين عليه السلام وصي اوست، مي خواهد سفارش هايش را بنمايد؛ لذا بچه ها از اتاق بيرون رفتند.

اميرالمؤمنين کنار بستر زهراي مرضيه عليها السلام نشست: «وَ ضمَّ راسَها إلي صدره» بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۹۱٫،اشک از گونه هاي فاطمه زهرا عليها السلام جاري شد. آقا هم اشک مي ريخت و مي گفت: فاطمه جان! من در فقدان تو گريه مي کنم براي نبود تو و غربت خودم اشک مي ريزم؛ «أَبْکِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي». بحارالانوار، ج۴۳، ص ۲۱۳٫چگونه بعد از تو اين خانه و چهار يتيم و اين سختي ها را تحمل کنم؟ اما زهرا جان! تو چرا گريه مي کني؟ بي بي عليها السلام مي فرمايد: يا اميرالمؤمنين! من براي مظلوميت تو اشک مي ريزم!

علي جان! سفارش هايي دارم : يکي اينکه بدنم را شب غسل بده ، شب کفن کن و شب به خاک بسپار! نمي خواهم آن دو نفر بر بدن من نماز بخوانند و در تشيع جنازه من حاضر گردند. علي جان! خودت متکفل کارهاي من بايد گردي، خودت بدنم را غسل بده. بچه هاي يتيمم را فراموش نکن. طوري برنامه هايت را تنظيم کن که شب ها پيش بچه ها باشي. مبادا آنها تنها بمانند. حسين را از ياد مبر! بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۷۸٫– درباره ابا عبدالله به طور ويژه سفارش کرد – وقتي من را در ميان قبر مي گذاري زود از کنار قبرم نرو. آن لحظه ميت مونس مي خواهد، چه مونسي بالاتر از تو علي جان. کنار قبرم بنشين«فَأَکْثِرْ مِنْ تِلاوَةِ الْقُرآنِ وَ الدُّعَاءِ» حارالانوار، ج۷۹، ص ۲۷؛ منتهي الآمال، ص ۱۹۲٫ و برايم قرآن و دعا بخوان، کنار قبرم بنشين و برايم اشک بريز.

پيراهن خود در غم من چاک مکن جز نيمه شب جسم مرا خاک مکن

از فاطمه يادگاري اگر مي خواهي خون هاي مرا ز روي در پاک مکن.

هر وقت دلت براي فاطمه تنگ شد. بدان: «البابُ وَالجِدارُ وَالدِّماءُ شهودُ صِدقِ ما بِهِ خِفاءٌ»

علي جان!

مرا چو غسل نيمه شب به پيش کودکان دهي مبادا سينه مرا به زينبم نشان دهي!

 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته